

مقدمه‌ای بر مطالعات فارسی - یهودی کهن



ناهد غنی

بنا بر لوحه‌های وقایع‌نگار بابلی که در موزه‌ی بریتانیا در لندن نگهداری می‌شود و نیز بنا بر متن کتاب مقدس،¹ بخت‌النصر دوم با فتح اورشلیم حدود ده هزار یهودی از جمله یهوایکین پادشاه یهودا را به اسارت گرفت. حکومت بابل، صدقیا، عموی یهوایکین را به فرمانروایی یهودا گمارد. اما زمانی که صدقیا سر به شورش برداشت، بخت‌النصر بار دیگر به اورشلیم یورش برد و تعداد بیشتری را به اسیری گرفت؛ معابد را ویران کرد و اسرا را به ایران تبعید کرد که طبق گزارش هامان، یهودیان در تمام استانهای ایران پراکنده شدند.²

با حمله‌ی کوروش کبیر، پادشاه هخامنشی، به بابل (539 ق.م.)، رهبر یهودیان در بابل از وی استقبال کرد. پس او همان بود که رسالت ارمیا را تمام کرد و یهودیان را به اورشلیم بازگرداند.³ در کتاب اشعیا آمده است: «خداوند به مسیح خویش یعنی به کوروش چنین می‌گوید که: دست راست او را گرفتم تا به حضور وی امته را مغلوب سازم و کمرهای پادشاهان را بگشایم تا درها را به حضور وی مفتوح نمایم و دروازه‌ها دیگر بسته نشود. من پیش روی تو خواهم خرامید و جاهای ناهموار را هموار خواهم ساخت و درهای برنجین را شکسته، پشت‌بندهای آهنین را خواهم برید و گنجهای ظلمت و خزائن مخفی را به تو خواهم بخشید تا بدانی که من یهوه که تو را به اسمت خوانده‌ام خدای اسرائیل می‌باشم. به خاطر بنده خود یعقوب و برگزیده‌ی خویش اسرائیل، هنگامی که مرا نشناختی تو را به اسمت خواندم و ملقب ساختم. من یهوه هستم و دیگری نیست و غیر از من خدایی نی. من کمر تو را بستم هنگامی که مرا نشناختی. تا از مشرق آفتاب و مغرب آن، بدانند که سوای من احدی نیست. من یهوه هستم و دیگری نی. پدیدآورنده‌ی نور و آفریننده‌ی ظلمت. صانع سلامتی و آفریننده‌ی بدی. من یهوه صانع همه‌ی این چیزها هستم»⁴.

بنا بر کتاب عزرا، به جز زنان و مردان کارگر تعداد 42360 نفر به اورشلیم رفتند.⁵ بدین‌ترتیب فرزندان یهودیانی که به اسیری سپاه بخت‌النصر درآمده بودند، روانه‌ی بخشهای دور ایران شدند که در زمان کمبوجیه (522-530 ق.م.) از شرق تا مرزهای هند و از غرب تا مصر و اتیوپی گسترش یافته بود.

در دوره‌ی پارتیان، وضعیت یهودیان در سراسر این امپراطوری، بسیار مطلوب بود تا آنجا که هر دو علیه رومیان متحد می‌شدند، که این به دلیل روحیه‌ی تساهل و تسامح خاندان ارشک و نیز اربابان و زمین‌داران حکومت اشکانیان بود.

اما پس از استقرار حکومت ساسانیان (226 م.) یهودیان ایران امتیازاتی را از دست دادند. در میان تغییرات سیاسی در امپراطوری ایران که توسط اردشیر اول ساسانی (226-241 م.) انجام و به وسیله‌ی جانشینان وی اوج گرفت، تغییر دین رسمی کشور بود، که موجبات اعمال خشونت از سوی حکومت و نیز موبدان علیه پیروان ادیان دیگر نظیر مسیحیان، یهودیان، مانویان و بودائیان را فراهم کرد. به غیر از کتیبه‌ی کرتیر، منابع یهودی و نیز مسیحی، این آزارهای دینی را گزارش کرده‌اند. اما این اقلیت‌آزایی، در دوران بعضی از شاهان



ساسانی رو به کاهش گذارد؛ همانند دوران شاهنشاهی نرسه (293 م.)، بهرام گور (420-438 م.)، و خسرو انوشیروان (531-579 م.)؛ به طوری که در زمان خسرو انوشیروان، هنگامی که وی در مزیقه مالی بود، به ویژه در نتیجه جنگهای پرهزینه با روم، برخی یهودیان چنان متمکن بودند که به وی وام دادند و به همین دلیل مورد عنایت شاه قرار گرفتند.⁶

سقوط ساسانیان، وضع بهتری را برای یهودیان به ارمغان آورد، زیرا قانون قرآن - آخرین منبع وضع قوانین الهی - برای آنها پسندیده تر بود. این قوانین، یهودیان را «اهل کتاب» می نامید و به آنها حق و امنیت قانونی می داد. یهودیان بر خلاف دوران ساسانی امنیت اجتماعی داشتند و تحت حمایت قانون مقدس بودند؛ ولی در بعد اقتصادی مانند دوران ساسانی ملزم به پرداخت جزیه به خلیفه بودند.⁷

گویا پس از حمله اعراب در اواسط قرن هفتم میلادی، یهودیان زبان عبری منشعب از آرامی و آرامی را که زبان اصلی آنها محسوب می شد تا حدودی ترک کردند و گویشهای جنوبی، مرکزی و شمالی ایران را که منشعب از زبانهای ایرانی میانه بودند به عنوان زبان و گویش نوشتاری و گفتاری خود برگزیدند. کاربرد زبان و گویش ایرانیان و سایر عوامل دینی، اجتماعی و فرهنگی موجب شد یهودیان همانند دوران باستان، در فرهنگ و زبان مؤثر باشند. برخی منابع مکتوب موجود مانند نامه های شخصی، دست نوشته ها، اسناد حقوقی، و تفسیر و تحقیق تورات طی قرون هشتم تا چهاردهم میلادی به زبان ایرانی میانه غربی و گویشهای ایرانی و با حروف عبری نگارش شده اند که آنها را متون فارسی-یهودی کهن می نامند.

مطالعات متون فارسی-یهودی کهن حدود صد سال قدمت دارد و نقش مهمی را در مطالعات تاریخ زبان فارسی از آن جهت ایفا می کند که این نوشته ها از نظر گویش-شناختی از تأثیر هنجاربخشی زبان ادبی برکنار مانده اند و احتمالاً گویش کاتبان یا نسخه نویسان را به طور چشمگیری منعکس می کنند. «از یک سو نوشتن به الفبای عبری، بعضی تفاوت های ظریف تلفظی را نشان می دهد که خط عربی از چنین کیفیتی برخوردار نیست و از سوی دیگر، این ادبیات و خصوصاً بخش اعظم آن از جریان عظیم زبان رشد یافته و در نتیجه توانسته است از سلطه هنجاربخش سنت فارسی میانه برکنار بماند. به ویژه نویسندگانی که قصدشان پدید آوردن آثار ادبی به طور اخص نبوده است، بلکه برای مقاصد دیگری این متون را به نگارش درمی آوردند، نظیر مترجمان و مفسران قدیمی کتاب مقدس که بر آن بودند تا هم کیشان خود را آگاهی دهند و بالطبع آنان را به زبان محاوره ای روزمره خود که همانا زبان محلی آنها بود مورد خطاب قرار می دادند»⁸.

با توجه به دستور زبان و واژگان نوشته های فارسی-یهودی کهن، جایگاه این متون مرحله میانی (intermediate stage) بین فارسی میانه و فارسی نو است. این فرضیه قاعدتاً بدین مفهوم است که فارسی-یهودی کهن قرن یازدهم میلادی نه تنها مابین فارسی میانه قرن هفتم میلادی و فارسی نو قرن چهاردهم میلادی قرار دارد، بلکه مابین فارسی میانه و فارسی نو متقدم قرن یازدهم میلادی است:

فارسی میانه (3-7 م.) ← فارسی-یهودی کهن (11/12 م.)
(م.) ← فارسی نو متقدم (11/12 م.) ← فارسی نو (14 م.)⁹.

بیان این مطلب که «فارسی-یهودی کهن مابین فارسی میانه و

فارسی نو متقدم جای دارد» الزاماً به زمان اشاره ندارد. همچنین لازار¹⁰ اشاره می‌کند به اینکه جایگاه میانی فارسی-یهودی کهن (مابین فارسی میانه و فارسی نو متقدم) نه تنها از نظر زمانی بلکه از دیدگاه گویش‌شناسی نیز باید توجیه شود: در ادواری که فارسی-یهودی کهن کم و بیش دنباله مستقیم فارسی میانه مورد تکلم در جنوب غربی ایران بود، فارسی نو متقدم در شمال شرقی ایران گسترش یافت :

جنوب	فارسی میانه ← فارسی-یهودی کهن ← ... (؟)
غربی	
شمال	فارسی میانه ← فارسی نو متقدم ← فارسی نو ادبی (←
شرقی	فارسی معاصر ¹¹)

در دوران فارسی نو متقدم، زبان فارسی که توسط یهودیان به نگارش درمی‌آمد، ویژگی‌های زبان‌شناسی خود را به تدریج از دست داد. یهودیان ایرانی که نگارش فارسی را از قرن چهاردهم میلادی به بعد ادامه دادند (نظیر شاهین)، عاقبت صورت خاص فارسی را که اجدادشان به‌کار می‌بردند رها کردند و کمابیش به صورت فارسی نو و استاندارد روی آوردند.¹²

پاول در ادامه به مقابله واژگانی فارسی-یهودی کهن و فارسی نو متقدم می‌پردازد؛ اما پیش از آن خاطرنشان می‌کند این واژگان را از متون مختلف فارسی-یهودی کهن برگزیده است و زبان این متون متنوع نیز به هیچ‌وجه همگون نیست و اگرچه بعضی خصوصیات زبانشناسی فارسی-یهودی کهن را (به طور کلی) از فارسی نو متقدم متمایز می‌سازند، اما هر متن فارسی-یهودی کهن به طرق و درجات گوناگون از فارسی نو متقدم به لحاظ زبانشناسی متفاوت است»¹³. در حقیقت، فارسی-یهودی کهن یک قسم از فارسی نو متقدم است. اما "فارسی نو متقدم" در اینجا به مفهوم محدودتری تعبیر می‌شود و عنوان آن "فارسی نو متقدم نگاشته شده به خط عربی توسط مسلمانان" است. شاید عنوان مناسب‌تر آن "فارسی اسلامی کهن" باشد، هرچند البته چنین اصطلاحی به‌کار نمی‌رود¹⁴.

تنوع متون فارسی-یهودی کهن در مقایسه با فارسی نو متقدم، زمانی که فارسی هنوز به صورت نو خود شکل نیافته بود، دقیقاً همان چیزی است که فارسی-یهودی کهن را برای زبانشناسان شایان توجه ساخته است .

بعضی از ویژگی‌های فارسی-یهودی کهن در مقایسه با فارسی نو متقدم عبارت است از¹⁵:

فارسی-یهودی کهن	فارسی نو متقدم
-نشانه جمع ihā- مثال (diraxtīhā) : -hā	
-پسوند اسم مصدر -išn- مثال : -iš	
(bōzišn)	
-نشانه مجهول‌ساز -īh- مثال : _	
(ispurrīh)	
-حرف اضافه " u/ō به ¹⁶ " -	
-نمایز میان pad/bē به‌عنوان حرف‌تتها ba باقی مانده	
اضافه	است
-کسره اضافی که نشانه موصول است -	

تمامی ویژگی‌های فارسی-یهودی ذکر شده در بالا در فارسی

میانہ نیز دیدہ می‌شود؛ اما در فارسی نو متقدم یا دیدہ نمی‌شود یا اگر به‌کار رفته باشد به صورت تحشیه است. این شواهد دال بر آن است که فارسی-یهودی کهن در حقیقت مابین فارسی میانہ و فارسی نو متقدم قرار دارد. به دلیل آنکه فارسی-یهودی کهن و فارسی نو متقدم به طور همزمان مورد تکلم بودند، این امر بیانگر آن است که فارسی-یهودی کهن نسبت به این ویژگیها محافظه‌کارانه‌تر عمل کرده است.¹⁷

ویژگیهای فارسی-یهودی کهن آن را در تقابل با فارسی میانہ و فارسی نو متقدم (مکتوب به خط عربی) قرار می‌دهد. از واژه‌ها و صورتهای مهجور این متون در فارسی نو نشانی دیدہ نمی‌شود. حتی ویژگیهای گویشی که در متون مکتوب به خط عربی پیش از دورہ فارسی نو¹⁸ به طور پراکنده مورد استفاده قرار گرفته‌اند به جز موارد نادر، با ویژگیهای گویشی فارسی-یهودی متفاوت است، بنابراین دو ساختار کاملاً متمایز از زبانی مشترک وجود دارد. گاهی کهن‌گرایی فارسی-یهودی را به روحیة محافظه‌کارانہ یهودیان نسبت می‌دهند. چنانچه این فرضیه در سده‌های نخستین اسلام در مورد یهودیان صدق کند، پس چگونه در دوره‌های بعد این روحیه را حفظ نکردند، در حالی که بیشتر ساختارها و واژه‌های مهجور به تدریج در متون بعدی آنان ناپدید شده است؟ این واژه‌های کهن بیشتر در متون «گزارش مصالحه اهواز»، «تفسیر یوشع»، «سند حقوقی قراپی»، دو تفسیر قراپی از «صحیفه دانیال» به چشم می‌خورد (که از این پس متون AA نامیده می‌شوند). اما تعداد این واژگان در متون تورات پاریس و واتیکان (که از این پس متون PV نامیده می‌شوند) به نحوی محسوس رو به کاهش گذارده است و نوشته‌های شاهین با کمی اغماض از بعضی از جزئیات، فارسی ادبی به‌شمار می‌رود. پاره‌ای ساختارها و واژه‌های کهن در ترجمه‌های نسبتاً متأخر کتاب مقدس به جای مانده است و باید آن را ناشی از سبک سنتی ویژه این گونه نوشته‌های خاص دانست که عبارت است از ترجمه تحت‌اللفظی متون مقدس که بدین ترتیب یهودیان در این شیوہ کاری با هم‌میهنان مسلمان خود در ترجمه قرآن تفاوتی ندارند.¹⁹

بنابراین، واژه‌ها و صورتهای مهجوری را که در فارسی-یهودی کهن یافت می‌شود نباید به حساب کهن‌گرایی نویسندگان آنها گذاشت. مسلماً این صورتهای کهن به زبان گویشی نویسندگان این متون که همه روزه بدان تکلم می‌کردند تعلق داشته است. به عقیده لازار خوزستان منشأ متون AA است و منشأ متون PV²⁰ را که زبان آن در بیشتر ویژگیهای گویشی با این متون اشتراک دارد باید به جنوب غربی و شاید فارس نسبت داد.²¹ شاید این امر در باره اسفار خمسہ لندن و تفسیر صحیفه حزقیال نیز صادق باشد.

بدین ترتیب، متون توراتی که به زبان فارسی-یهودی است در حوزه جنوب غربی نگاشته شده است. از آنجا که این متون مربوط به قرنهای دهم و یازدهم میلادی (چهارم و پنجم ه.ق) است، ادبیات توراتی کهن کم و بیش با نخستین دوران شکوفایی ادبیات فارسی مکتوب به خط عربی هم‌عصر شمرده می‌شود. اما این شکوفایی عمدتاً در نواحی بسیار دورافتاده، در نقطه مقابل حوزه زبان فارسی یعنی در شمال شرقی پدید آمده است. این بحث منتج بدین حقیقت است که این دو صورت زبان مشترک که از هم متمایز و ادبیات فارسی-یهودی کهن و ادبیات فارسی به ترتیب نمودار آن هستند، در اصل دو گونه از زبان گفتاری را که یکی در جنوب غربی و دیگری در شمال شرقی رایج بود، عرضه می‌دارند.²² این فرضیه از کشف متنی به خط عربی به تأیید رسیده است و آن ترجمه فارسی میان-سطری از قرآن

است که به شماره 54 در کتابخانه آستان قدس رضوی مشهد نگاهداری می‌شود. ارزش متن مذکور در این امر نهفته است که در این ترجمه فارسی قرآن، ویژگیهای زبانی بی‌شماری به چشم می‌خورد که در دیگر متون کهن فارسی مکتوب به خط عربی تقریباً دیده نمی‌شود؛ اما بخش اعظم آن با خصوصیات که از متون فارسی-یهودی به دست می‌آید، همخوانی دارد.²³

ویژگیهای فارسی-یهودی کهن که شامل واژگان مهجور است به طور بنیادی دارای ارزش گویشی است. فارسی گفتاری جنوبی از نظر آواشناسی، دستور زبان و واژگان نزدیکی خود را با فارسی میانه حفظ کرده بود، در حالی که فارسی گفتاری شمال شرقی در پاره‌ای از نکات ساختاری، تحول سریعتری یافته و بسیاری از کلمات خود را با جانشین کردن وام-واژه‌های برگرفته از گویشهای محلی کهن از دست داده بود. مطالعات فارسی-یهودی نه تنها روشنگری‌هایی در باره گویش‌شناسی زبان فارسی در آغاز آن به ارمغان می‌آورد، بلکه پرتوی هم بر شکل‌گیری فارسی میانه ادبی می‌تاباند. شك نیست که فارسی میانه ادبی بر پایه زبانه‌های گفتاری بنا شده بود که از بازمانده آنها فارسی جنوبی به وجود آمده است. فارسی گفتاری جنوبی زبانی واحد نیست و تفاوت‌های ظریف گویشی آن در گروه‌های مختلف متون فارسی-یهودی (گزارش مصالحه اهواز، تفسیر یوشع، تفسیر صحیفه دانیال، متون توراتی پاریس و واتیکان، اسفار خمسه لندن و شاید تفسیر صحیفه حزقیال) و قرآن مشهد به چشم می‌خورد.²⁴ به‌عنوان مثال وضعیت Wi- آغازی کهن معیاری برای تفاوت و تمایز این متون به‌شمار می‌رود: «خیمه» در ایران باستان *wi-dāna- ، در متون AA و PV، biyān = by'n در اسفار خمسه لندن gw'n = gwān است.²⁵ گیان به معنی خیمه‌ی گردی که بر یک ستون بر پا باشد، خیمه کردن و عربان صحرانشین باشد»²⁶. گذشتن» در ایرانی باستان -tar- vi و «گذراندن» در ایرانی باستان *wi-tār- ، در AA به صورت bd'r = bidār ، در اسفار خمسه لندن به صورت god'r = godār و در ماضی بعید به صورت godašt = gwdšt آمده است.²⁷

ملاحظه می‌شود که در فارسی میانه ادبی (فارسی میانه زردشتی و فارسی میانه مانوی Wi- (کهن آغازی وضعیتی دوگانه دارد: از واژه‌های بررسی شده این نتیجه به دست می‌آید که در تعدادی از آنها Wi- باقی مانده و در برخی دیگر به صورت gu در میانه و به صورت go (= گو) در فارسی مکتوب به خط عربی درآمده است. این تفاوت در فارسی-یهودی و همچنین فارسی ادبی وجود دارد و توزیع این دگرگونی بر حسب تفاوت‌های ظریف گویشی متغیر است. حال اگر فارسی میانه (پهلوی و مانوی) با فارسی یهودی گونه AA مقایسه شود، مشاهده می‌شود که میزان دگرگونی مورد بحث در هر دو به طور دقیق، یکسان است.²⁸

معنای فارسی*	فارسی میانه مانوی	پهلوی	فارسی یهودی AA	فارسی مکتوب به خط عربی
گذراندن	widār-	widār	bidār-	gozār-
گرویدن	wurraw-	wurrōy	birrōy-	gerav-
گستردن		wistar-	bistar-	gostar-
گزاردن	wizār	wizār-	bizār-	gozār-
گزیردن		wizīr-	bizīr-	(nā)gozīr
پژوهش		wizōhišn	bizōbišt	pažūheš
گمان	gumān	gumān	gumān	gumān
گماردن	gumān-	gumān-	gumān-	gumān-

گواه	gugāy	gugāy	اسم (معني) gowāih	govāh
------	-------	-------	----------------------	-------

*لازار در مقابله واژگانی در جدول فوق، کلمات فارسی میانه مانوی، پهلوی و فارسی - یهودی را به صورت حرف‌نوشت ارائه کرده است. اما آوانوشت کلمات توسط نگارنده انجام گرفته است .

این مطابقت میان فارسی میانه و متون فارسی-یهودی AA از این جهت شایان توجه است که توزیع -b/w و -gō به این صورت در هیچ یک از گونه‌های زبانی یافت نمی‌شود. بنابراین فارسی میانه و فارسی-یهودی گروه AA هر دو نمودار يك گویش‌اند و به عبارت دقیق‌تر، فارسی میانه ادبی بر مبنای گویشی پایه‌ریزی شده که طی قرنهای بعد، کاتبان متون گروه AA مطالب خود را بدان گویش نگاشته‌اند. از «گزارش مصالحه اهواز» این آگاهی به دست آمده که گویش یاد شده متعلق به خوزستان بوده است. بنابراین فارسی میانه ادبی بر پایه گونه‌های زبانی خوزستان ساخته شده است.²⁹

نتیجه دیگر از پژوهش در متنهای فارسی-یهودی و قرآن قدس و از مقایسه آنها با فارسی ادبی از يك سو و با فارسی میانه ادبی از سوي دیگر به دست می‌آید. این نتیجه، با بذل توجه به قرابت میان صورتهای جنوبی فارسی گفتاری و فارسی میانه حاصل می‌شود، اما این تفاوت شاید بیش از هر چیز، تفاوتی گویشی به‌شمار آید.³⁰

اکنون پس از تبیین جایگاه و هدف مطالعاتی متون فارسی-یهودی، لازم است به پژوهشها و گروههای متفاوت این متون اشاره کنیم.³¹

متون فارسی-یهودی که تا کنون به چاپ رسیده و یا مورد پژوهش قرار گرفته‌اند به چهار گروه دسته‌بندی شده‌اند که به ترتیب زمانی عبارت‌اند از:³²

« 1. کهن‌ترین نوشته‌ها که تا حدی پراکنده هستند و شامل کتیبه‌ها یا اسناد خصوصی می‌باشند و به لحاظ زبانی و تاریخی از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. این نوشته‌ها مشتمل است بر :

الف) قطعه‌ای از يك نامه که هیئت اکتشافی اورل اشتاین در منطقه «دندان‌اولیق» در ختن واقع در ترکستان چین کشف کرد. این نامه 38 سطر است که ابتدا و انتهای هر سطر از میان رفته، به‌گونه‌ای که ارتباط نحوی هر سطر با سطر بعد تقریباً ناممکن است. متخصصان، تاریخ نگارش این نامه را مورد بررسی قرار داده‌اند و آن را متعلق به نیمه نخست قرن هشتم م. / دوم ه.ق. می‌دانند.³³

ب) کتیبه‌های تنگ آزانو واقع در افغانستان که نخستین بار ر. ن. فرای به اشتباه آنها را کتیبه‌های پارتی گزارش کرد؛³⁴ اما هنینگ³⁵ توانست خطوط عبری آن را تشخیص دهد و آنها را بخواند و نیز تاریخ نگارش کتیبه را تعیین کند. پس از او، ای. ال. رب³⁶ فرضیه هنینگ را مبنی بر اینکه کتیبه‌ها متعلق به 752/3 میلادی است مردود و تاریخ نگارش این سنگ‌نوشته‌ها را سال 1299 میلادی دانست .

ج) يك عبارت کلیشه‌ای مخصوص امضا که چهار بار بر روی يك لوح مسی تکرار شده و در يك کلیسای کهن مسیحی در هند جنوبی

کوپلون (تراوانکور) کشف شده است. تاریخ نگارش این لوح به قرن نهم میلادی منسوب است و عبارت آن چنین قرائت می‌شود :

h pdy
mgwn mn سم خاص š gwhwm
«به همین ترتیب من (اسم خاص) بر
این گواهی می‌دهم»
که با عبارتی
متشابه به زبان فارسی
میانه و عربی همراه است.³⁷

د) يك سند حقوقی که در تاریخ 1021 میلادی در هورمشیر (اهواز) صادر شده است و متن آن مصالحه میان دو نفر یهودی به نامهای «دانیال پسر روبین» و «حنه دختر اسرائیل» است. نسخه خطی این سند در کتابخانه بادلیان نگهداری می‌شود. آسموسن،³⁸ متن را حرف‌نویسی و واژگان آن را منتشر و مکتوبی³⁹ ترجمه‌ای منسجم از آن ارائه کرده است. شاکد⁴⁰ نیز نکات مهمی را در مورد قرائت، ترجمه و تصحیح متن، توضیح داده است.

ه) مجموعه‌ای از گورنامه‌هایی که در نزدیکی مناره مشهور جام، در قلمرو پادشاهی غور در افغانستان مرکزی کشف شده است و تاریخ آن پایان قرن دوازدهم میلادی و ابتدای قرن سیزدهم میلادی است. «کشف این سنگ‌نوشته‌ها در حقیقت بسیار شایان توجه است. این کتیبه‌ها، که اسناد کتبی جامعه یهودی را تشکیل می‌دهد، به مراتب فراتر از آنچه که تاکنون کشف شده است⁴¹ می‌باشد و ارزش تاریخی بسیاری دارد. واضح است که اسناد کتیبه‌ای متعلق به "قاپطه یهودیان پراکنده در شرق"⁴² اقلیت یهودیان شرق) تا به امروز بسیار نادر هستند. این کتیبه‌ها که همگی لوحه‌های یادبود هستند، به وجود جامعه یهودیان در منطقه غور در طی نیمه دوم قرن دوازدهم و آغاز قرن سیزدهم گواهی می‌دهند: این تاریخها بین 1215/1214 و 1150/1149 میلادی (1461-1526 تقویم سلوکی) در نوسان‌اند که البته با مطالب و تحقیقات جدید احتمالاً اطلاعات مربوط به تعیین تاریخ این سنگ‌نوشته‌ها تغییر خواهد کرد⁴³».

دقت نظر در نگارش این گورنامه‌ها نشان می‌دهد که از هماهنگی خاصی برخوردار نیستند، اما با گذشت زمان، مهارت و دقت نظر در آنها بیشتر شده است. دو سنگ‌نوشته اولی که به تاریخ 1149/1150 میلادی است بسیار خلاصه هستند، اما بقیه کتیبه‌ها طولی‌تر و کامل‌ترند. این سنگ‌نوشته‌ها به استثنای گورنامه‌های خلاصه به الگوی زیر ثبت شده‌اند :

قسمت اول: مرگ يك شخصیت ذکر شده است و سپس به سمت، نام و گاهی حتی کنیه متوفی هم اشاره شده است. قسمت دوم: تاریخ مرگ شخص: روز، ماه و سال. قسمت سوم: گورنامه با يك عبارت قالبی درود و سلام و تجلیل از روح درگذشته به پایان می‌رسد. گاهی اوقات این بخش متشکل است از يك آیه از کتاب مقدس یا «مدح و ثنا» که خاص آئین تدفین است.⁴⁴

این کتیبه‌ها از نظر تاریخی بسیار ارزشمند هستند، زیرا به وجود جامعه یهودی در منطقه غور در افغانستان گواهی می‌دهند. آنان در طول دوران حکمرانی آل شنسب (=غوریان) که مورد حمایت يك تاجر بانفوذ یهودی بودند،⁴⁵ می‌زیستند.

2. گروم دوم متون فارسی-یهودی کهن شامل آثاری کهن در باره تحلیل معنایی کتاب مقدس، ترجمه و تفسیرها، ترجمه‌های متون تفسیری به آرامی و فرهنگ‌نامه‌هاست⁴⁶. این گروه، طیف نسبتاً وسیعی از متون را تشکیل می‌دهد که تعداد محدودی از قطعات آن به چاپ رسیده است. اما همین مقدار اندک کمک شایان توجهی در امر مطالعات ادبیات فارسی-یهودی کهن کرده است. زیرمجموعه‌های گروه دوم عبارت‌اند از :

الف) ترجمه‌های کتاب مقدس به صورت دست‌نوشته‌هایی که در کتابخانه ملی پاریس، واتیکان، موزه بریتانیا و لین‌گراد نگهداری می‌شود. دولاگارد⁴⁷ از روی یکی از نسخه‌های خطی پاریس متن صحیفه‌های «اشعیای نبی» و «ارمیای نبی» و نیز «آغاز صحیفه حزقیال» را به چاپ رسانده بود و به دنبال او نولدکه⁴⁸ و هرن⁴⁹ با پژوهش‌های خود آن را تکمیل کردند. گیدی⁵⁰ حواشی بسیار مختصری بر نسخه واتیکان (اسفار خمسة واتیکان) نوشته بود که به دنبال آن پییر⁵¹ متن کامل آن را حرف‌نویسی و چاپ کرده است. ترجمه کهن دیگر که به صورت دست‌نوشته در موزه بریتانیا مضبوط است، هنوز منحصر به قطعه‌ای می‌شود که زولیکزن⁵² نقل کرده است. او این قطعه را با نسخه مشابه واتیکان و مشابه آن که یعقوب بن یوسف طاووس ترجمه کرده است و به مراتب جدیدتر است مقایسه می‌کند. ترجمه اخیر⁵³ که در سال 1546 میلادی در قسطنطنیه به چاپ رسید، مطابق سنت مترجمان پیشین است. از سفر پیدایش ترجمه‌ای توسط سرمد⁵⁴ انجام پذیرفته است و نسخه خطی این ترجمه در موزه بریتانیا نگهداری می‌شود. در همه این ترجمه‌ها از شیوه‌ای پیروی شده است که به روش ایرانیان مسلمان در ترجمه قرآن شباهت دارد. این ترجمه‌ها تحت‌اللفظی است و درک آن بدون مراجعه به اصل به دشواری صورت می‌پذیرد و البته هدف از این ترجمه‌ها تنها تسهیل مطالعه آن بوده است .

ب) در میان روایتها و تفسیرهایی که به کتاب مقدس و روایات مذهبی مربوط می‌شود، «داستان دانیال»، معروفترین آنهاست که احتمالاً ترجمه‌ای به سبک آزاد است. زوتبرگ⁵⁵ نیز داستان دانیال را از روی یک نسخه خطی کتابخانه ملی پاریس به چاپ رسانیده است؛ دارمستتر⁵⁶ آن را از نظر محتوا و زالمان⁵⁷ آن را از نظر زبان‌شناسی مورد بررسی قرار داده‌اند. زالمان به تفسیری از «صحیفه حزقیال» که نسخه خطی آن در لین‌گراد نگاهداری می‌شود اشاره کرده و نکاتی را در باره لغت‌شناسی تاریخی متن مذکور یادآور شده است⁵⁸. او قصد داشت تا نسخه منقحی از این دست‌نوشته ارائه دهد، اما موفق به انجام این کار نشد. ویژگی این متن مهم در قدمت قابل‌ملاحظه زبان آن است. باخر⁵⁹ تفسیری از کتاب سموئیل را به همراه یادداشت‌هایی در باره زبان آن به چاپ رسانده و یک رساله می‌شنایی⁶⁰ ابوت⁶¹ (را به همراه نقد آن منتشر کرده است. آسموسن نیز از دست‌نوشته‌ای در موزه بریتانیا مشتمل بر تفسیری از «صحیفه یوشع» خبر داده است که شایان توجه به نظر می‌رسد⁶².

ج) دو فرهنگ لغت عبری-فارسی که یکی به وسیله سلیمان ب. سموئیل در گرگانج به سال 1339 میلادی به زبان خوارزمی تدوین شده است و باخر نمونه‌هایی از آن را به چاپ رسانیده است⁶³. فرهنگ دوم تألیف موسی شیروانی به سال 1459 میلادی نیز توسط باخر⁶⁴ منتشر شده است. هرن⁶⁵ و نولدکه⁶⁶ این فرهنگ را از دیدگاه زبان‌شناختی مورد تحقیق قرار داده‌اند .

3. سومین گروه را آثار ادبی به مفهوم مطلق تشکیل می‌دهد.

که در فاصله قرن های چهاردهم تا هجدهم میلادی به فارسی ادبی سره تألیف شده‌اند. بخش اعظم این آثار به شعر اختصاص دارد که می‌توان به نمونه های ذیل اشاره کرد: حماسه‌های شاهین شیرازی⁶⁷ در قرن چهاردهم میلادی که در شیراز می‌زیست و حماسه‌های همشهری و پیرو او عمران‌ی، شاعر قرن شانزدهم میلادی؛ وقایع‌نامه‌های شاعرانه، اثر بابای بن لطف در قرن هفدهم میلادی و بابای بن فرهاد در قرن هجدهم میلادی که هر دو اهل کاشان بودند. شاید شخص اخیر نوه آن دیگری بوده باشد⁶⁸. شعرهای تعلیمی یهودی لاری،⁶⁹ مرثیه ملاحزقی،⁷⁰ اقتباسی از کتاب سموئیل به شعر⁷¹ و جز آن. همچنین ترجمه اسفار خمسه و مزامیر را که بابا بن نوریل⁷² (قرن هجدهم م./دوازدهم هـ. ق) به فرمان نادرشاه تألیف کرد و کمابیش به فارسی نو متقدم است، باید در گروه سوم قرار داد. آسموسن⁷³ نیز منظومه «کشور شاه» را حرف‌نویسی و ترجمه کرده است.

4. چهارمین گروه، نوشته‌های اقلیت یهودی بخارا است که از اواخر قرن هفدهم میلادی/یازدهم هـ. ق. آغاز شد و تا قرن نوزدهم میلادی/سیزدهم هـ. ق که بخارایی‌ها به اورشلیم مهاجرت کردند ادامه پیدا کرد. از آن میان می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

• شعرهای یوسف یهودی (آغاز قرن هجدهم م./دوازدهم هـ. ق.) که باخر⁷⁴ به معرفی آن پرداخت، شعر خدای‌داد (پایان قرن هجدهم م./دوازدهم هـ. ق.) که زالمان⁷⁵ آن را منتشر کرد و تولدکه⁷⁶ و باخر⁷⁷ را به انتشار یادداشت‌هایی در متن‌شناسی آن واداشت.

• ترجمه‌های بنیامین بن یوحانان که هرمان اته⁷⁸ و ک. و. زترستنن و زوندرمان⁷⁹ به پژوهش درباره آن پرداخته‌اند و آثاری به نثر که باخر⁸⁰ فایده زبان‌شناختی آنها را به رشته تحریر درآورده است.

وجود کتیبه‌های تنگ آزانو و نیز گورنامه‌های جام، به حضور یهودیان در شرق ایران گواهی می‌دهد، اما نامه دندان‌اولیق (علیرغم آنکه ناقص و تکه‌تکه است) و نیز گزارش مصالحه اهواز اطلاعات سودمندی از زبان فارسی را در بر دارند. این دو متن اخیر در حالتی که از زبان فارسی اشتراک دارند و آن کاربرد نشانه اضافه در موضع حرف ربط است⁸¹. این کاربرد خاص که میراث فارسی میانه است در متون مکتوب به خط عربی دیده نمی‌شود. شاید به این دلیل که استنساخ‌کنندگان دوره‌های بعد، در متن آن دست برده و ساختی تازه‌تر را جایگزین آن کرده‌اند. در این سند که اولی از ترکستان و دومی از خوزستان نشأت گرفته است، برخی تفاوت‌های گویشی دیده می‌شود. هنینگ⁸² در نامه دندان‌اولیق چند واژه سغدی را که خاص آسیای مرکزی است قرائت کرده است و در سند اهواز به چند ساخت بیگانه در فارسی نو متقدم برخورد کرده است که یادآور فارسی میانه می‌باشد، مانند "tysy = tisi" در فارسی نو «چیزی»، "dryst = drist" «درست»، "kyrd = kird" فارسی نو «کرد» و نیز يك اضافه که به صورت X/ نگارش شده است و ارائه 0 فارسی میانه است⁸³. بی‌تردید این‌صورتها به فارسی خوزستان تعلق داشته‌اند. اما متأسفانه این واژگان در برابر صورت‌هایی از همان کلمات در دندان‌اولیق به صورت زیر است:

سند اهواز	معنای فارسی	دندان اولیق
tysy	چیزی/چیز	cyz
dryst	درست	drws[t]

grdwm	کرد/کردم	kyrd
-------	----------	------

غنی‌ترین نوشته‌های فارسی-یهودی در «گروه دوم» یعنی متون تفسیری دوران کهن، قرار دارند. البته تعبیر و توضیح این نوشته‌ها کاری است دشوار، چون تاریخ و منشأ بیشتر آنها معین نیست و تنها به معیارهای درونی که عمدتاً زبان‌شناختی است می‌باید اکتفا کرد. از طرفی دیگر در استفاده از این معیارها نیز باید احتیاط کرد زیرا در میان ویژگی‌های زبان، باز شناختن صورتهای مهجور، مختصات گویشی و شیوه‌های سبکی و نگارشی همیشه آسان نیست. به‌علاوه سزاوار توجه است که امکان تأثیر زبان فارسی ادبی نو و آمیختگی احتمالی گویشها را که در پی استنساخ‌های مداوم در مکانهای مختلف به وجود می‌آید، همواره باید مد نظر داشت⁸⁴.

پانویسها :

- 1- کتاب مقدس، دوم پادشاهان، 1-14 : 24، انتشارات ایلام، 2003، صص 486-487.
- 2- همان، استر، 8 : 3، ص 605.
- 3- همان، ارمیا، 14 : 29، ص 888.
- 4- همان، اشعیا، 8-1 : 45، ص 828.
- 5- همان، عزرا، 65-2:64، ص 573.
- 6- Newman, Julius, *The Agricultural Life of the Jews in Babylonia between the Years 200 CE and 500 CE*, 1932, pp. 25-30.
- 7- Cf. Widengren, Geo, "The Status of Jews in the Sasanian Empire", in *Iranian Antiqua*, I, 1961, pp. 134-154.
- 8- Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du judéo-persan", *Studies in Bibliography and Booklore*, 1968, p. 79.
- 9- Paul, Ludwig, "Early Judaeo-Persian between Middle and New Persian – Re-examining a Well-Known Hypothesis", *Irano-Judaica*, V, Jerusalem, 2003, p. 96.
- 10- Lazard, Gilbert, "Le judéo-persan ancien entre le pehlevi et le persan", *Transition Periods in Iranian History*, 1985, pp. 167-175.
- 11- Paul, Ludwig, "Early Judaeo-Persian between...", pp. 96-97.
- 12- idem, *ibid*, p.97.

13- idem, ibid.

14- idem, ibid, ft. 5.

15- Cf. Lazard, Gilbert, "Le judéo – persan ancien...", p. 169.

16- در این مقاله از متن *Argument An early Jewish_Persian* تحت عنوان "تفسیر یوشع" یاد می‌شود. این حرف اضافه در "تفسیر یوشع" به صورت 'w' حرف نویسی شده است (سطر P9) و در جای دیگر تنها به صورت "الف" (")، احتمالاً این حرف اضافه به صورت 'ə' یا حتی 'a' (یا قبل از یک همخوان w یا aw) تلفظ می‌شده است. نک. به:

Paul, Ludwig, "Early Judeo-Persian between ...", p. 97, ft 7.

17- Paul, Ludwig, "Early Judaeo-Persian between...", p. 98.

18- Lazard, Gilbert, "Dialéctologie de la langue persane d'après les textes des Xe et XIe siècles ap. J.-C.", "Revue de la Faculté des Letters de Tabriz", 13, 1961, Also in *La Formation de la Langue Persane*, 1995, p. 25.

19- Cf. Lazard, Gilbert, "Remarques sur le style des anciennes traductions persanes du Coran et de la Bible", *Bulletin d'Etudes Orientales*, 1979, pp. 45-49.

20- در مورد دسته‌بندی متون فارسی-یهودی، در صفحات بعد به تفصیل توضیح داده شده است. (نگارنده)

21- Lazard, Gilbert, "La dialéctologie...", p. 92.

22- idem, ibid, pp.90-94.

23- Lazard, Gilbert, "Lumière nouvelles sur la formation de la langue persane: une traduction du Coran en persan dialectal et ses affinités avec le judéo-persan", *Irano-Judaica*, II, 1990, pp. 184-185.

24- Lazard, Gilbert, "Le judéo-persan ancien...", pp. 174-175.

25- Asmussen, J. P., "A Select List of Words from the Vatican Judaeo-Persian Pentateuch (Genesis)", K. R. Cama Oriental Institute, *Golden Jubille Volume*, 1969, pp. 93-103.

26- نک. به محمد بن خلف تبریزی، *برهان قاطع*، به اهتمام محمد معین، 1330، جلد سوم، ص1751؛ از یادداشت های استاد ارجمند آقای دکتر مولایی.

27- Cf. Lazard, Gilbert, "Le judéo-persan ancien...", pp. 174-175.

28- idem, ibid.

- 29- idem, *ibid.*
- 30- idem, *ibid.*
- 31- Cf. Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du ...", pp. 77-98.
- 32- این چهار گروه بر اساس تقسیم بندی لازار معرفی می‌شوند و منابع و مآخذ به نقل از وی می‌باشد (نگارنده).
- 33- Margoliouth, D. S., "The Judaeo-Persian Document from Dandān-Uiliq", in *Ancient Khotan*, Stein, M. Aurel, Vol. II Text, 1981, pp. 570-574.
- 34- Frye, R. N., "An Epigraphical Journey in Afghanistan", *Archaeology*, VII, 1954, pp. 114-118.
- 35- Henning, W. B., "The inscriptions of Tang-i Azao", *BSOAS*, 1957, pp. 335- 342.
- 36- Rapp, E. L., "The date of the Judaeo-Persian inscriptions of Tang-i Azao in Central Afghanistan", *East and West*, Vol. 17- Nos. 1-2, 1967, pp. 51-59.
- 37- Cf. Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du ...", p. 79.
- 38- Asmussen, Jes, P., "Judaeo-Persica II, the Jewish-Persian Law Report from Ahwāz, A.D. 1020", *Acta Orientalia*, Societates Orientales Danica Norvegica Svecica, Vol. XXIX, 1965-1966, pp. 49-60.
- 39- Mackenzie, D. N., "AD Judaeo-Persica II Hafniensia", *JRAS*, 1966, Part 1-2, p. 69.
- 40- Shaked, Shaul, "Judaeo-Persian Notes", *Israel Oriental Studies*, 1, 1971, pp. 178-182.
- 41- در اینجا منظور کتیبه‌های تنگ آزائو است. نک. به:
- Gnoli, Gherardo, "Further information concerning the Judaeo-Persian documents of Afghanistan", *East and West*, 14, 1963, p. 209-210.
- 42- معادل انگلیسی این عبارت: Eastern Diaspora.
- 43- Gnoli, Gherardo, "Further information ...", p. 209.
- 44- idem, *ibid.*, p. 210.
- 45- برای اطلاعات بیشتر نک. به: منهاج‌الدین جوزجانی (سراج)، طبقات ناصری، 1332، صص 324-325، و نیز:

Fischel, W. J., "The Jews of Central Asia (Khorasan) in Mediaeval Hebrew and Islamic Literature", in *Historia Judaica*, VII, 1945, pp. 41-42, in: Gnoli, Gherardo, "Further information ...", p. 210.

46- Cf. Bacher, W., "Bible Translation", JE, III, 1902, p. 190 and Fischel, W., "The Bible in Persian Translation", *Harvard Theological Review*, XIV, 1952, pp.3-45, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

47- Legard, P., *Persische Studien*, 1884, (Abhandlungen der Gesellschaft der Wissenschaften), p. 31, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

48- Nöldeke, T., *Literarisches Centralblatt*, 1884, pp. 888 sqq., in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

49- Horn, P., "Zu den jüdisch-persischen Bibelübersetzungen", *Indogermanische Forschungen*, II, 1893, pp. 132-143, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

50- Guidi, I., "Di una versione del Pentateuco", *Rendiconti de Accademia Nazionale dei Lincei*, 1884-1885, pp. 347-355, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

51- Paper, H. H., "The Vatican Judaeo-Persian Pentateuch", *Acta Orientalia*, XXVIII, 1965, pp. 263-340, XXIX, 1965-1966, pp. 75-181, pp. 253-310.

52- Seligsohn, M., "The Hebrew-Persian MSS of the British Museum", *JQR*, XV, 1903, pp. 278-301, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

53- Kohut, A., *Kritische Beleuchtung der persischen Pentateuch-Übersetzung des Jacob ben Joseph Tavus*, 1871, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

54- Asmussen, Jes, P., *Studies in Judeo-Persian Literature*, 1973, pp. 110-130.

55- Zotenberg, H., "Geschichte Daniels", *Archiv für Wissenschaftlicher Erforschung des alten Testaments*, I, 1869, 385-427, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

56- Darmesteter, J., "L'apocalypse Persane de Daniel", *Mélanges Renier*, 1886, pp. 405-420, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 80.

57- Salemann, C., *Literatur-Blatt für orientalische Philologie*, II, 1884-85, pp. 74-86, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

58- Salemann, C., "Zum mittelpersischen Passiv", *Bulletin de l'Académie Impériale des Sciences de St. Pétersbourg*, 5me série, XIII, 1900, pp. 269-274, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

59- Bacher, W., "Ein persischer Kommentar zum Buche Samuelis", *ZDMG*, L1, 1897, pp. 392-425, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

60- میشنا یکی از دو بخش اصلی تلمود حاوی هلاخا (شریعت) و به زبان عبری است. برای اطلاعات بیشتر نک. به: اشتاین سالتز، آدین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طلائی دارابی، 1383، صص 22 به بعد.

61- Bacher, W., "Eine persische Bearbeitung des Mischnatraktat Aboth", *ZfHB*, VI, 1902, pp. 112-118, 156-157, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

62- Asmussen, Jes, p., "Judaeo-Persica II The Jewish-Persian...", pp. 59-60.

63- Bacher, W., "Ein hebräisch-persisches Wörterbuch aus dem vierzehnten Jahrhundert", 1900. (tiré à part de Jahresbericht der Landes-Rabbinerschule in Budapest, 1899-1900, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

64- Bacher, W., "Ein hebräisch-persisches Wörterbuch aus dem 15en Jahrhundert", *Zeitschrift für die alttestamentliche Wissenschaft*, XVI, 1896, pp. 201-247, XVII, 1879, pp. 199-200, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

65- Horn, P., *Zeitschrift für die alttestamentliche Wissenschaft*, XVII, 1897, pp. 201-203, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

66- Nöldeke, T., "Judenpersisch", *ZDMG*, L1, 1897, 669-676, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

این مقاله مشتمل بر نکاتی در باره واژه‌نامه شیروانی و تفسیر سموئیل است.

67- Bacher, W., *Zwei jüdisch-persische Dichter, Schahin und Imrani*, 2 Vol., 1907-1908, "Le Livre d'Ezra de Schahin Schirazi", *REJ*, LV, 1908, pp. 249-280, "Ein Handschrift von Schahin's Genesisbuch", *ZDMG*, LXIV, 1910, pp. 87-90, Fischel, W., "The Beginnings of Judeo-Persian Literature", *Mélanges d'orientalisme offerts à H. Massé*, Téhéran, 1963, pp. 141-150, Asmussen, J. P., "Judaeo-Persica I", *Acta Orientalia*, XXVIII, 1965, pp. 245-261, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.

گلچین معانی، احمد، «یوسف و زلیخا»، *مجله دانشکده ادبیات تبریز*،

- 68- Seligsohn, M., "Quatre poésies judéo-persanes sur les persecutions des Juifs d'Ispahan", *REJ*, XIIIV, 1902, pp. 87-103, 244-259, Bacher, W., "Un episode de l'histoire des Juifs de perse", *REJ*, XLVII, 1903, pp. 262-282, "Les Juifs de perse aux XVII e et XVIIIe siècles d'après les Chroniques poétiques de Babai b. Loutf et de Babai b. Farhad", *REJ*, LI, 1906, pp. 121-136, 265-279, LII, 1906, pp. 77-97, 234-271, LIII, 1906, pp. 85-110, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 69- Bacher, W., "Aus einem jüdisch-persischen Lehrgedicht", *Keleti Szemle*, XII, 1911-1912, pp. 223-228, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 70- Bacher, W., "Elégie d'un poète d'un poète judéo-persan contemporain de la persecution de Schah Abbas II", *REJ*, XLVIII, 1904, pp. 94-105, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 71- Horn, P., "Jüdisch-persische Poesie", *ZDMG*, XLVII, 1893, pp. 202-212, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 72- Grill, I., *Der achtundsechsigte Psalm*, Tübingen, 1833, pp. 223-227, Fischel, W., *Harvard Theological Review*, XLV, 1952, pp. 33-34. Asmussen, J. P., "Judaeo-Persica IV", *Acta Orientalia*, XXX, 1966, pp. 15-24, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 73- Asmussen, Jes, P., *Studies in Judeo-...*, pp.11-61.
- 74- Bacher, W., "Der Dichter Jūsuf Jehūdi und sein Lob Moses", *ZDMG*, LIII, 1899, pp. 389-427, "Ein hebräisch-persisches Liederbuch", *JQR*, XIV, 1902, pp. 116-128, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 75- Salemann, C., *Judaeo-Persica I, Chudāidāt, ein jüdisch-bucharisches Gedicht*, 1897, Mémoires de l'Académie Impériale des Sciences de St. Pétersbourg, tome 42, no 14, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 76- Nöldeke, T., "Judenpersisch", *ZDMG*, LI, 1 897, pp. 548-553, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 77- Bacher, W., "Das jüdisch-bucharische Gedicht Chudāidād. Beiträge zur Textkritik und Erklärung", *ZDMG*, LII, 1898, pp. 197-212, "Ein jüdisch-bucharisches Gedicht", *ZfHB*, III, 1898, pp. 19-25, in: Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du...", p. 81.
- 78- Ethé, H., *Literatur-blatt für orientalisches Philologie*, I, 1883-1884, pp.186-194, in: Lazard, Gilbert, "La dialectologie du...", p.

81.

79- Sunderman, W., "Über jüdisch-persische Übersetzung der Sprüche von Benjamin Ben Jochanan aus Buchara", *ZDMG* LIV, 1900, pp.555-559, in: Lazard, Gilbert, "La dialectologie du...", p. 81.

80- Bacher, W., "Zum Judenpersisch der Mascat Binyamin, Mitteilungen des Instituts für Orientforschung", *Deutsche Akademie der Wissenschaften zu Berlin*, XI, 1966, pp. 275-300, in: Lazard, Gilbert, "La dialectologie du...", p. 81.

81- Henning, W. B., "Mitteliranisch", 1958, pp.79-80.

82- idem, *ibid*, pp.86-87.

83- Cf. Lazard, Gilbert, "La dialéctologie...", pp. 86-87.

84- idem, *ibid*.

کتابنامه :

-----، فرزندان/استر، به کوشش هومن سرشار، ترجمه مهرناز نصریه، نشر کارنگ، 1384.

-----، کتاب مقدس، انتشارات ایلام، 2002.

اشتاین سالتز، آدین، سیری در تلمود، ترجمه باقر طالبی دارابی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، 1383.

لازار، ژیلبر، شکل‌گیری زبان فارسی، ترجمه مهستی بحرینی، انتشارات هرمس، 1384.

محمد حسین بن خلف تبریزی، برهان قاطع، به اهتمام دکتر محمد معین، کتابخانه زواره، 1330.

منه‌اج الدین جوزجانی (سراج)، طبقات ناصری، تصحیح و تحشیه عبدالحی حبیبی، کابل، 1332.

Asmussen, Jes, P., "A Select List of Words from the Vatican Judaeo-Persian Pentateuch (Genesis)", K. R. Cama Oriental Institute, *Golden Jubille volume*, 1969, pp. 93-103.

-----, *Jewish Persian Text, Introduction, Selection, and Glossary*, Otto Harrassowitz, Wiesbaden, 1968.

-----, "Judaeo-Persica II, The Jewish-Persian Law Report from

- Ahwāz, A.D. 1020", *Acta Orientalia*, 1965-66, pp. 49-60.
- , *Studies in Judaeo-Persian Literature*, Leiden, 1973.
- Frye, R. N., "An Epigraphical Journey in Afghanistan", *Archaeology*, VII, 1954, pp. 114-118.
- Gindin, Thamar E., "The tafsir of Ezekiel: Four Copyists or Four Authors?", In: *Persian Origins – Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. Paul, 2003, Harrassowitz, Verlag, Wiesbaden, pp.195-219.
- Gnoli, Gherardo, "Further Information Concerning the Judaeo-Persian Documents of Afghanistan", *East and West*, 14, 1963, p. 209-210.
- Henning, W. B., "A New Parthian Inscription", *JRAS*, 1953.
- , *Handbuch der Orientalistik*, I, IV: Iranistik, I, Linguistik, E. J. Brill, Lieden Köln, 1958.
- , "The Inscriptions of Tang-I Azao", *BSOAS*, 20, 1957, pp. 335- 342.
- , "Mitteliranisch", *Handbuch der Orientalistik, erste Abteilung, Band IV, Abschnitt 1, Linguistik*, E. J. Brill, Lieden Köln, 1958, pp.20-130.
- Lazard, Gilbert, "La dialéctologie du judéo-persan", *Studies in Bibliography and Booklore*, 1968, pp. 77-98.
- , "Dialéctologie de la langue persane d'après les textes des Xe et XIe affinités. J.-C.", *Revue de la Faculté des Letters de Tabriz*, 13, 1961.
- , "Le judéo-persan entre le pehlevi et le persan", *Transition Periods in Iranian History*, 1985, pp. 167-175.
- , *La langue des plus anciens monuments de la prose persane*, 1963.
- , "Lumière nouvelles sur la formation de la langue persane: une traduction du Coran en persan dialectal et ses affinités avec le judéo-persan", *Irano-Judaica*, II, 1990, 184-198.
- , "Les prepositions pad et bē(ō) en persan et en pehlevi", *Studia Grammatica Iranica, Festschrift für Helmut Humbach*, 1968, pp.149-156.
- , "Remarques sur le fragment judéo-persan de Dandān

- Uiliq", *A Green Leaf Papers in Honor of Professor Jes P. Asmussen*, 1981, pp. 205-209.
- , "Remarques sur le style des anciennes traductions persanes du Coran et de la Bible", *Bulletin d'Etudes orientales*, 1979, pp. 45-49.
- Mackenzie, D. N., "AD Judaeo-Persica II Hafniensia", *Journal of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland*, 1966, p. 69.
- , "An early Jewish-Persian argument", *BSOAS*, Vol. XXXI, Part 2, 1968, pp. 249-269.
- Margoliouth, D. S., "The Judaeo-Persian document from Dandān-Uiliq", *Ancient Khotan*, Stein, M. Aurel, Vol. II Text, 1907, pp. 570-574.
- Newman, Julius, *The agricultural life of the Jews in Babylonia between the years 200CE and 500CE*, London, 1932.
- Paper, H. H., "The Vatican Judaeo-Persian Pentateuch", *Acta Orientalia*, XXVIII, 1965, pp. 263-340, XXIX, 1965-1966, pp. 75-181, pp. 253-310.
- Paul, Ludwig, "Early Judeo-Persian between Middle and New Persian: Re-examining a Well-known Hypothesis", *Irano-Judaica*, V, 2003, pp. 96-104.
- , "Early Judaeo-Persian in a historical perspective: the case of the prepositions be, u, pa(d), and the suffix rā", *Persian origins – early Judaeo-Persian and the emergence of New Persian*, ed. L. Paul, 2003, Harrassowitz, Verlag, Wiesbaden, pp. 177-194.
- Rapp, E. L., "The Date of the Judaeo-Persian Inscriptions of Tang-I Azao in Central Afghanistan", *East and West*, Vol. 17-1 Nos. 1-2 (March-June 1967), pp. 51-58.
- Shaked, Shaul, "Early Judaeo-Persian Texts with Notes on a Commentary to Genesis", *Persian Origins – Early Judaeo-Persian and the Emergence of New Persian*, ed. L. Paul, 2003, Harrassowitz, Verlag, Wiesbaden, pp. 195-219.
- , "Judaeo-Persian Notes", *Israel Oriental Studies*, 1, 1971, pp. 178-182.
- Stein, Aurel, *Ancient Khotan*, Cosmo Publications, New Delhi, 1981.
- Utas, Bo, "The Jewish-Persian Fragment from Dandān-Uiliq",

Orientalia Suecana, Vol. XVIII (1968), Uppsala, 1969, pp. 123-136.

Widengren, Geo, "The Status of Jews in the Sassanian Empire",
Iranian Antiqua, I, 1961, pp. 134-154.